

درآمدی بر نقش اخلاق حرفه‌ای در معماری و شهرسازی دانش بنیان در ایران

راضیه لیبب‌زاده

استادیار، عضو هیئت علمی گروه معماری دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
R.Labibzadeh@gmail.com

چکیده

تاکنون تعاریف متعددی از معماری و شهرسازی دانش بنیان صورت گرفته است که با توجه به گستردگی موضوع می‌توان برای تمامی این تعاریف اعتباری نسبی قائل بود اما با توجه به مغفول ماندن مباحث اخلاقی در تعاریف، باید به نقش اخلاق در بررسی‌ها توجه ویژه‌ای داشت. هدف این مقاله بررسی نقش اخلاق حرفه‌ای در معماری و شهرسازی دانش بنیان است و در میان گستردگی مباحث مربوط به آن، این سوال مطرح می‌گردد که اخلاق و مباحث مرتبط به آن چگونه منجر به مناسب‌سازی شهرها و آثار دانش بنیان می‌شود. برای دستیابی به جواب این سوال با استفاده از روش «تحلیل محتوا» تعاریف اخلاق و اخلاق حرفه‌ای مشخص شده و پس از بررسی برخی دیدگاه‌های پیرامون معماری و شهرسازی دانش بنیان، نقش اخلاق حرفه‌ای بر آن مشخص می‌گردد. براساس یافته‌ها می‌توان گفت جاری شدن اخلاق و مباحث مرتبط به آن در شهرسازی و معماری دانش بنیان منجر به پذیرش آن در ذهن مخاطبان فضا شده و این هماهنگی با محتوای جامعه، زمینه‌های پیشرفت آینده آن را فراهم می‌کند. عدم توجه به مباحث اخلاقی نیز منجر به شکست طراحی‌ها و یا تغییر فرهنگ و محتوای هر جامعه می‌شود.

کلمات کلیدی: اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، معماری و شهرسازی دانش بنیان، فرهنگ جامعه

۱. مقدمه

گسترش روزافزون شهرها در کلیه کشورهای جهان از پیامدهای غیرقابل انکار عصر دانش و فناوری به شمار می‌رود (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵). از آغاز سال ۱۹۹۰ میلادی، یک تغییر از اقتصاد صنعتی به سوی یک اقتصاد دانش بنیان بوجود آمد. این اقتصاد در حال ظهور به دلیل جهانی شدن، افزایش میزان مشاغل در بخش خدمات و رشد اینترنت ایجاد شد. خدمات مبتنی بر دانش؛ محرک اصلی این نوع جدید از اقتصاد است. دانش با ارزش‌ترین دارایی است و در واقع یک مزیت در اقتصاد دانش پایه محسوب می‌شود. با توجه به این تعاریف، تعریف اولیه یک شهر دانش بنیان صورت گرفت، شهری که با هدف تقویت دانش طراحی شده است (پاشر، ۲۰۰۴: ۲۳) ادوینسون (به نقل از دیویر و پاشر) یک لیست از معیارهای یک شهر دانش بنیان را تهیه کرده است. این معیارها بیشتر بر روی الزامات مدیریتی و سیاستی تاکید کرده است و چندان به الزامات فضایی و استراتژی‌های برنامه ریزی و طراحی شهری اشاره ای نکرده است (ادوینسون، ۲۰۰۶: ۳). شهر دانش بنیان شهری است که هدف آن توسعه فعالیت‌های دانش پایه از طریق اهمیت دادن به فضای اقتصاد دانش محور است (ایگازاکیس، ۲۰۰۶: ۲)، اخیراً این پرسش ایجاد شده است که آیا دانش یک فعالیت مجزا و صرف است؟ مردم باید با یکدیگر ارتباط داشته باشند تا دانش را تولید، ارزیابی و گسترش دهند ارتباطات انسانی خود عامل ایجاد دانش است. اگر این ارتباطات دائمی و پی در پی باشد و اطلاعات در پی آن تبادل شود ابداعات انسانی خود به خود به روز می‌شوند در واقع تولید دانش یک فعالیت فیزیکی و فکری است و برای ابداعات و اختراعات نیز صادق است. یک محرک مهم برای ابداعات تازه، کشف و اختراع چیزهای تازه است این

تجربه‌هایی است که فارغ از کار با اینترنت و وسایل ارتباط جمعی ایجاد می‌شود، نگاه کردن و احساس یک منظر شهری می‌تواند یک نقش مهم در فرآیند تولید دانش ایجاد کند. شرکت‌های دانش‌بنیان ساختمان‌های خود را در بخش‌های خاصی از شهر تأسیس می‌کنند. سیمای نواحی شهری در جذب یا دفع این شرکتها تأثیر بسزایی دارند (هرلبرت، ۲۰۰۴: ۳) مبحث بعدی این است که همه دانش‌ها از طریق ارتباطات دیجیتال قابل انتقال نیستند. در واقع دو نمونه دانش وجود دارد: دانش صریح و دانش دانش ضمنی. دانش صریح می‌تواند به راحتی از طریق نوشته انتقال یابد در واقع تبادل دانش صریح یک فرآیند آگاهانه است چون مردم آگاهند که می‌توانند این دانش را به گونه‌ای بدست آورند این دلیلی است که این نوع دانش به راحتی می‌تواند تبادل یابد. دانش ضمنی دانشی است که از مسیرهای ناخود آگاه به دست می‌آید. در واقع دانش ضمنی از طریق تجربه یا فراگیری ناآگاهانه از مهارت‌ها به دست می‌آید. وقتی مردم با هم ارتباط برقرار می‌کنند از رفتارهای هم دانش کسب می‌کنند. این نوع از دانش نمی‌تواند از طریق اینترنت تبادل یابد و به روابط رو در رو نیازمند است. برای اقتصاد دانش بنیان هر دو نوع دانش از اهمیت بسزایی برخوردارند و این دلیل آن است که چرا "فضا" برای اقتصاد دانش بنیان ارزشمند است، همچنین این که چرا فضا برای شهرهای دانش‌پایه مهم می‌باشد این است که مردم برای تبادل اطلاعات باید به هم اعتماد کنند و این فقط در برخوردهای رو در رو ایجاد می‌شود. نزدیکی فرهنگی عامل مهمی در تبادل اطلاعات است وقتی مردم به هنجارهای فرهنگی یکدیگر آشنایی دارند بهتر به هم اعتماد می‌کنند (برگ، ۲۰۰۵: ۹۰).

۲-۱. روش تحقیق

با توجه به تعاریف اولیه از شهرهای دانش‌بنیان می‌توان گفت که عدم توجه به مباحث اخلاقی در این شهرها منجر به عدم اعتماد مردم برای حضور و در نتیجه عدم تبادلات فرهنگی می‌شود. این مقاله با بررسی مباحث اخلاقی و به طور خاص با تکیه بر اخلاق حرفه‌ای سعی در بررسی بیشتر نقش اخلاق در این شهرها و فضا دارد. بدین منظور با استفاده از روش «تحلیل محتوا» تعاریف اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای از منابع مهم این مبحث استخراج شده و سپس تعاریف جامع معماری و شهرسازی دانش‌بنیان ارائه می‌گردد. در مرحله دوم پژوهش با استفاده از روش کیفی «استدلال منطقی» نقش اخلاق بر معماری و شهرسازی دانش‌بنیان تبیین می‌شود.

۲. اخلاق و تعاریف اخلاق حرفه‌ای

در مورد اخلاق، نظریات مختلفی بیان شده است. برخی آن را مطلق و برخی نیز نسبی انگاشته‌اند. آرا فیلسوفان شرقی و غربی نیز با هم مشترکات و تفاوت‌هایی دارند. اخلاق به صورت شاخه‌ای از فلسفه بحث می‌شود که به استدلال درباره پرسش‌های بنیادین اخلاقیات می‌پردازد. درستی و نادرستی امور، شناخت امور خیر و شر، و باز شناسی فضایل، مسائل بنیادین اخلاق را تشکیل می‌دهند (گنسلر، ۱۳۸۵: ۳۰). اخلاق در لغت به معنای مجموعه عادت‌ها و رفتارهای فرهنگی پذیرفته شده میان مردم یک جامعه؛ رفتار، خلق و خوی، خوی‌های پسندیده، رفتار شایسته و پسندیده، و... آمده است (انوری، ۱۳۸۱: ۲۹۱) و علم اخلاق، علم معاشرت با خلق است (دهخدا، ۱۳۲۸: ۱۵۲۹). معادل انگلیسی آن «Ethics»، که غالباً به صورت جمع به کار می‌رود، از لحاظ ریشه‌شناسی انگلیسی ریشه در زبان‌های هند و اروپایی دارد، و در زبان یونانی و لاتین به «Ethica» و در زبان فرانسه کهن به «Ethique» ترجمه شده است. این واژه از لحاظ معناشناسی گستره زیادی دارد از جمله:

۱. مبانی و اصول رفتار درست «Principles of night conduct»

۲. تئوری‌ها یا مجموعه‌ای نظامند از ارزش‌های اخلاقی «Moral values»

۳. قوانین یا استانداردهای حاکم بر رفتار اعضای یک حرفه خاص (اخلاق حرفه‌ای) «Professionaethics» (بحرینی،

۱۳۸۹: ۷۵).

اخلاق امری است که همه زوایای زندگی شهروندان و ساختار جامعه را در بر می‌گیرد (الزهرانی، ۲۰۱۵). اخلاق هر جامعه معیار بایدها و نبایدهای آن را تعیین می‌کند و انسان اجتماعی را در مسیر زندگی غایتمند خود به سمت کمال، فضیلت و سعادت هدایت می‌کند. اخلاق هم خاستگاه دینی دارد و هم متأثر از عرف، فرهنگ، تاریخ و سایر پدیده‌های اجتماعی است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰).

یکی از حوزه‌های مهم و سرنوشت‌ساز حکمی و فکری، حوزه فلسفه اخلاق است. به طور معمول از قدیم، بحث فلسفه اخلاق میان اندیشه‌وران و فیلسوفان مهم، مطرح بوده است. فلسفه اخلاق شامل دو شاخه و بخش اصلی است: ۱. اخلاق دستوری؛ ۲. فرا اخلاق. شهید مطهری در هر کدام این بخش‌ها، نظری خاص و مستقل دارد که می‌توان در کنار نظریات مهم دیگر به آن اشاره کرد؛ اما قبل از پرداختن به این بحث، برای روشنی جایگاه فلسفه اخلاق بین علوم و همچنین مباحث مهم آن، ذکر نکاتی لازم است.

فیلسوفان از قدیم، حکمت یا فلسفه را به دو بخش تقسیم می‌کردند: حکمت نظری و حکمت عملی. شهید مطهری حکمت نظری و عملی را چنین تعریف می‌کند:

حکمت نظری عبارت است از علم به احوال اشیا آن‌چنان که اشیا هستند یا خواهند بود؛ ولی حکمت عملی عبارت است از علم به این که افعال بشر چگونه و به چه منوال خوب است و باید باشد و چگونه و به چه منوال بد است و نباید باشد. خلاصه آن که حکمت نظری از «هست»ها و «است»ها سخن می‌گوید و حکمت عملی از «باید»ها و «شاید» و «نشاید»ها و «خوب‌ها» و «بدها» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

حکمت نظری به الاهیات و ریاضیات و طبیعیات و حکمت عملی به اخلاق و تدبیر منزل و سیاست جامعه تقسیم می‌شود؛ اما امروزه، وقتی از اخلاق و فلسفه اخلاق سخن به میان می‌آید کل مباحث حکمت عملی را شامل می‌شود. و همچنین حکمت عملی در معنا و اصطلاح متعارفش، بخشی از معنای فلسفه اخلاق را تشکیل می‌دهد؛ چون اخلاق دستوری، همان مباحث حکمت عملی است و بر آن است تا با تحلیل عقلانی روشن کند که بر اساس چه معیارها و ملاک‌هایی، یک عمل «خوب»، و عمل دیگر «بد» می‌شود. بخش دیگر فلسفه اخلاق، فرا اخلاق است که درباره اخلاق دستوری است؛ یعنی در این بخش، مفاهیم و تعبیر اخلاق مانند «خوب» و «بد» تحلیل عقلانی می‌شوند که آیا این مفاهیم وجود خارجی دارند یا صرفاً مفاهیم انتزاعی هستند و ...

به نظر شهید مطهری، حکمت عملی ویژگی‌های خاصی دارد که عبارتند از:

اولاً محدود به انسان است و حوزه غیرانسان را در بر نمی‌گیرد. ثانیاً مربوط به افعال اختیاری انسان است و افعال غیراختیاری او را که در قلمرو پزشکی و فیزیولوژی و روان‌شناسی است، در بر نمی‌گیرد. ثالثاً مربوط است به «باید»های افعال اختیاری انسان که باید چگونه باشد و چگونه نباشد، نه بحث‌های مربوط به مقدمات اعمالی که باید انجام شوند؛ از این رو بحث‌های مربوط به ماهیت اختیار و این که آیا انسان مجبور است یا مختار، از حوزه حکمت عملی خارج است. رابعاً حکمت علمی درباره همه «باید»ها بحث نمی‌کند؛ بلکه درباره آن عده از «باید»ها بحث می‌کند که «باید»های نوعی و کلی و مطلق و انسانی است و نه «باید»های فردی و نسبی؛ مثلاً این حکم که «باید راست گفت» یا «راستی خوب است» یا «باید با ظلم و ظالم ستیزه کرد»، مربوط به همه انسان‌ها است، نه برخی از انسان‌ها (همان: ۱۷۹).

حال که تا اندازه‌ای جایگاه و ماهیت فلسفه اخلاق و رابطه آن با حکمت عملی روشن شد، به مباحث دیگر پرداخته خواهد شد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، امروزه مطالعه و بررسی مباحث فلسفه اخلاق در دو حوزه اخلاق دستوری و فرا اخلاق بررسی می‌شود.

۲-۱. اخلاق دستوری

استاد مطهری در حوزه اخلاق دستوری، نظریه‌ای به نام نظریه پرستش را ارائه می‌دهد:

کارهای اخلاقی که مورد تقدیس و ستایش دیگران قرار می‌گیرد، از مقوله پرستش است. قوانین اجتماعی، قوانین الهی است. خداوند، دو نوع قانون برای انسان مقرر کرده است: یک نوع قوانین را در فطرت انسان ثبت کرده است و نوع دیگر، قوانینی که در فطرت انسان نیست؛ بلکه از همان قوانین فطری منشعب می‌شود و تنها به وسیله انبیا بیان شده است. انبیا علاوه بر این که قوانین فطری را تأیید می‌کنند، یک قوانین اضافه هم برای انسان می‌آورند. آن عمق روح انسان، آن فطرت انسان، آن عمق قلب انسان، با یک شامه مخصوص ناآگاهانه همین‌طور که خدا را می‌شناسد؛ این قوانین خدا را می‌شناسد، رضای خدا را می‌شناسد و کار را بالفطره در راه رضای خدا انجام می‌دهد؛ ولی خودش نمی‌داند که دارد قدم در راه رضای خدا بر می‌دارد. حال کسی که ناآگاهانه مثل یک بت پرست از چنین قوانین فطری تبعیت می‌کند، آیا چنین کارهایی نزد خدا اجر دارد؟ جواب

آن است که بی‌اجر هم نیست (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۲۸). از این رو، اخلاق از مقوله عبادت و پرستش است. انسان به همان میزان که خدا را ناآگاهانه پرستش می‌کند، ناآگاهانه هم از یک سلسله قوانین الهی که در فطرت انسانی است، پیروی می‌کند. پیامبران الهی برای آن آمده‌اند که این عبادت ناآگاهانه را به یک امر آگاهانه تبدیل کنند. آن وقت دیگر تمام کارهای او می‌شود اخلاقی؛ چون تمام کارها بر اساس تکلیف و رضای خداتنظیم شده است (همان: ۱۳۳). پس اگر کسی قانون اخلاقی را انجام می‌دهد، به این علت انجام می‌دهد که این قانون را قانون خدا می‌داند و تبعیت از قانون الهی مورد رضایت الهی است. در واقع با پیروی از قانون، رضایت خدا را برآورده می‌سازد. فاعل اخلاقی، از آن‌رو از قانون اخلاقی تبعیت می‌کند که حس می‌کند محبوب واقعی‌اش یعنی خدا، آن را از او می‌خواهد؛ از این جهت آن قانون اخلاقی را دوست دارد (همان: ۱۳۱).

از نظر شهید مطهری، انگیزه تبعیت از قانون اخلاقی از آن‌رو است که قانون اخلاقی مورد رضایت خدا است و چون از ناحیه خدا است، زیبا است و هر انسانی دوست دارد، رضایت محبوب واقعی خود را برآورد.

۲-۲. فرا اخلاق

شهید مطهری در باب خوبی و بدی می‌گوید: خوبی و بدی همچون هستی و نیستی است؛ بلکه اساساً خوبی، عین هستی و بدی، عین نیستی است. هر جا که سخن از بدی می‌رود، حتماً پای یک نیستی و فقدان در کار است (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۴۴). بدی یا خودش از نوع نیستی است و یا هستی است که مستلزم نوعی نیستی است؛ یعنی موجودی است که خودش از آن جهت که خودش است، خوب است و از آن جهت بد است که مستلزم یک نیستی است و تنها از آن جهت که مستلزم نیستی است، بد است، نه از جهت دیگر. نادانی، فقر و مرگ بد دانسته می‌شود. این‌ها ذاتاً نیستی و عدمند. گزندگان، درندگان، میکرب‌ها و آفت‌ها بد شمرده می‌شود. این‌ها ذاتاً نیستی نیستند؛ بلکه هستی‌هایی هستند که مستلزم نیستی و عدمند. نادانی، فقدان و نبود علم است. علم، یک واقعیت و کمال حقیقی است؛ ولی جهل و نادانی واقعیت نیست. وقتی می‌گفته می‌شود نادان، فاقد علم است، چنین معنا نمی‌دهد که وی صفت خاصی به نام فقدان علم دارد و دانشمندان آن صفت را ندارند. فقر نیز بی‌چیزی و ناداری است، نه دارایی و موجودی. آن که فقیر است، چیزی را به نام ثروت فاقد است، نه آن که او هم چیزی دارد و آن فقر است. مرگ هم از دست دادن است، نه به دست آوردن؛ اما گزندگان، درندگان و... از آن جهت بد هستند که موجب مرگ یا از دست دادن عضوی یا نیرویی می‌شوند یا مانع رشد و رسیدن استعدادها به کمال می‌گردند. اگر گزندگان، موجب مرگ و بیماری نمی‌شدند، بد نبودند. در حقیقت آن چه ذاتاً بد است، همان فقدان حیات است و اگر درنده وجود داشته باشد و درندگی نکند، یعنی موجب فقدان حیات کسی نشود، بد نیست و اگر وجود داشته باشد و فقدان حیات تحقق یابد بد است (همان: ۱۴۶).

در مورد کارهای اخلاقی و صفات زشت نیز جریان از همین قرار است. ظلم بد است؛ زیرا حق مظلوم را پایمال می‌کند. حق چیزی است که یک موجود استحقاق آن را دارد و باید آن را دریافت کند؛ مثلاً علم برای انسان یک کمال است که استعداد انسانی، آن را می‌طلبد و به سوی آن رهسپار است و به همین دلیل، استحقاق آن را دارد. اگر حق آموزش را از کسی سلب کنند و به او اجازه تعلیم ندهند، ظلم و بد است؛ زیرا مانع کمال و موجب فقدان شده است (همان)؛ بنابراین، هرچه در جهان وجود دارد، از جهت وجود داشتن، خوبی و خیر است و بدی‌ها هم از نوع نیستی است. این نظریه در باب خوبی و بدی از اشکالات نظریات گذشته مصون است. اولاً خوبی که همان وجود است واقعیتی است و هیچ کسی در آن شبهه‌ای ندارد. ثانیاً در تعارض‌های حکم اخلاقی، معیار روشنی برای صدق و کذب وجود دارد. ثالثاً خوبی که همان وجود است، مفهومی بدیهی و آشکار است که به تعریف نیازی ندارد و اصولاً هر چیزی را به وجود تعریف می‌کنند و مفهومی روشن‌تر از وجود نیست تا در تعریف آن اخذ شود.

۲-۳. اخلاق حرفه‌ای

در ابتدا مفهوم اخلاق حرفه‌ای به معنای اخلاق کار و اخلاق مشاغل به کار می‌رفت. امروزه نیز عده‌ای از نویسندگان اخلاق حرفه‌ای، از معنای نخستین این مفهوم برای تعریف آن استفاده می‌کنند. اصطلاحاتی مثل *work ethics* یا *professional ethics* معادل اخلاق کاری یا اخلاق حرفه‌ای در زبان فارسی است (آرینپور کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۵). تعریف‌های مختلفی اخلاق حرفه‌ای ارائه شده است:

الف) اخلاق کار، متعهد شدن انرژی ذهنی و روانی و فیزیکی فرد یا گروه به ایده جمعی است در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو (کادوزیر، ۲۰۰۲: ۱۳۷).

ب) اخلاق حرفه‌ای یکی از شعبه‌های جدید اخلاق است که می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ داده و برای آن اصولی خاص متصور است (هارتوگ، ۲۰۰۷: ۶).

ج) مقصود از اخلاق حرفه‌ای مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و براساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای رعایت کنند؛ بدون آن که الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات‌های قانونی دچار شوند (مورگ، ۲۰۱۱: ۸۴۵).

و) این اخلاق، دربرگیرنده مجموعه‌ای از احکام ارزشی، تکالیف رفتار و سلوک و دستوریهایی برای اجرای آنهاست (ژکس، ۱۳۵۵: ۹۲).

ز) اخلاق حرفه‌ای، به منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد و در تعریف حرفه، آن را فعالیت معینی می‌دانند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص است (فرامزق‌املکی، ۲۰۱۳: ۲۲).

در تعریف اخلاق حرفه‌ای به موارد زیر اشاره شده است:

۱. اخلاق حرفه‌ای رفتاری متداول در میان اهل یک حرفه است.

۲. اخلاق حرفه‌ای مدیریت رفتار و کردار آدمی هنگام انجام دادن کارهای حرفه‌ای است.

۳. اخلاق حرفه‌ای رشته‌ای از دانش اخلاق است که به مطالعه روابط شغلی می‌پردازد.

۴. اخلاق حرفه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای از قوانین که در وهله اول از ماهیت حرفه و شغل به دست می‌آید (حسینیان، ۲۰۱۳: ۲۲).

در بیشتر تعریف‌هایی که از اخلاق حرفه‌ای شده است، دو ویژگی دیده می‌شود: الف) وجود نگرش اصالت فرد و فرد گرایی؛ ب) محدود بودن مسئولیت‌ها و الزامات اخلاقی فرد در شغل، که به نظر می‌رسد این نگاه به اخلاق حرفه‌ای، نوعی تحویلی‌نگری و تقلیل دادن اخلاق حرفه‌ای است؛ زیرا هویت جمعی و سازمانی در نهادهای مشاغل در کسب و کار، بسی فراتر از شغل فردی اشخاص است. با توجه به همین دیدگاه بود که در این اواخر نیز بحث از اخلاق حرفه‌ای در منابع مدیریتی و بیشتر در آثار و مباحث مربوط به مدیریت منابع انسانی مطرح می‌شد.

۲-۴. مبنای نظری اخلاق حرفه‌ای در اسلام

الگوهای رفتاری در سطح نهادها و سازمان‌های اجتماعی، وحدت‌بخش جامعه دینی است. تعریف کلی الگوهای اخلاقی و رفتار ارتباطی، مسئولیت‌پذیری در برابر حقوق افراد است. جامعه دینی از حیث تعامل سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در آن و نیز از نظر رفتار ارتباطی افراد، متضمن مسائل فراوانی است. این مسائل از تعیین دینی چنین جوامعی سر برمی‌آورند و با تعیین دینی نیز باید پاسخ یابند. اخلاق، سامان‌دهنده رفتار ارتباطی در مقیاس فرد، سازمان، جامعه و روابط جهانی است. رفتار ارتباطی درون‌شخصی و برون‌شخصی فرد در زندگی شخصی و زندگی شغلی، از طریق اخلاق سامان و انسجام می‌یابد. همچنین رفتار ارتباطی سازمان با محیط و نیز تعامل نهادهای اجتماعی با یکدیگر، در دو سطح ملی و جهانی، بر مبنای اخلاق قوام می‌یابد، برای تعیین مؤلفه‌های کاربردی اخلاق حرفه‌ای اسلامی، می‌توان از اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای در اسلام استفاده کرد؛ اصول راهبردی اصلی (در اسلام) عبارت‌اند از: احترام اصیل و نامشروط به انسان‌ها، رعایت آزادی انسان‌ها، برقراری عدالت در مورد انسان‌ها، امانت‌ورزی در رفتار و بینش شخصی (عاملی، ۱۳۸۱: ۴۸).

برای داشتن هویت اسلامی اخلاق حرفه‌ای در ایران به چهار دلیل می‌توان اشاره کرد:

الف) از لحاظ فرهنگی به دلیل وابستگی توده مردم کشور به نظام عقیدتی اسلام

ب) از لحاظ دینی به دلیل جدانپذیری اخلاق از دین در متن دین اسلام

ج) نیاز به پویایی درون فرهنگ اسلامی با توجه به مواجهه آن با چالش جهانی شدن

د) از لحاظ نظام حکومتی، الزام به حکومت دین مدار در نظام حکومت دینی و از لحاظ قانونی، به تأکید قانون اساسی — در اصل هشتم — بر تصویب قوانین اسلامی در کشور (رشیدی، ۱۳۸۵)

نظام اخلاق اسلامی به گونه‌ای است که با اخلاق حرفه‌ای در هم آمیخته و تفکیک‌ناپذیر است؛ زیرا در این نظام ملاک نهایی و نهایت سعادت بشری، الله است و انسان در مقام خلیفه و جانشین الهی در زمین، محور توجهات اخلاقی است؛ بدین معنا که خشنودی انسان و خدمت به او موجب رضایت و تقرب به خداوند می‌شود؛ از این رو، نظام اخلاق اسلامی با توجه به ملاک نهایی، در صدد است با ارائه دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اخلاقی در سطح حرفه و زندگی اجتماعی و همچنین با در نظر گرفتن پیشرفت‌های مادی در جهت بهبود زندگی انسان‌ها، زمینه سعادت و کمال حقیقی بشر را فراهم آورد، درباره مورد اخیر باید گفت در اخلاق حرفه‌ای اسلامی، ملاک نهایی اخلاق همانا خواست خداوند — خیر مطلق — است. مهم‌ترین اصول راهبردی که می‌توانند منشأ شکل‌گیری مؤلفه‌های کاربردی اخلاق حرفه‌ای (اسلامی) شوند، عبارت‌اند از:

الف) کرامت انسانی؛

ب) آزادی فردی؛

ج) عدالت اجتماعی در مفهوم عام قرار دادن هر امری در جایگاه شایسته آن؛

د) امانت‌ورزی در دو سطح امانت‌داری و بینش امانت‌نگری (عاملی، ۱۳۸۱: ۷۹).

۳. چیستی شهر دانش بنیان

امروزه تعریف جامعی از شهر که بتواند شامل کلیه شهرهای جهان باشد، مشکل است چرا که شهرها به سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی همسان وابسته نبوده و نکات مشترکی بین آنها وجود ندارد (نظریان، ۱۳۸۹: ۴۱). به اعتقاد برخی اندیشمندان «شهر دانش بنیان، شهری است که به طور هدفمند برای تشویق به پرورش دانش طراحی شده است». برخی از تحقیقات نیز شهر دانش بنیان را صورت خلاصه‌ای از «اقتصاد منطقه‌ای ناشی از صادرات با ارزش افزوده بالای حاصل از تحقیق و پژوهش، فناوری و قدرت هوش و ذکاوت» می‌دانند. در تمام تعاریفی که از مفهوم شهر دانش بنیان ارائه شده است، چه آشکار و چه نهان به موضوع لزوم حضور کارکنان دانشی و با استعداد در شهرهای دانشی اشاره شده است. از میان جوانب و ابعاد مختلف شهر دانش بنیان، موضوع سرمایه انسانی این شهرها و توزیع جغرافیایی استعدادها، طی سال‌های اخیر محل بحث و نظریه‌پردازی در محافل آکادمیک جهان بوده است (مرتضوی، ۱۳۹۰: ۳). اما به نظر می‌رسد نقش‌هایی که در هر دوره‌ای شناساننده و متمایز کننده شهرهای کنونی از شهرهای دوره‌های پیشین و یا دیگر مناطق باشد، تا حد زیادی به ارائه تعریفی جدید و مورد پذیرش از شهر کمک می‌کند. در همین راستا ایجاد شهر آینده مستلزم روشی کاملاً جدید و مثبت تر برای اندیشیدن درباره جهانی بهتر و امن تر است. نتیجه نه تنها یک مکان بلکه جامعه‌ای است که کالبد و محتوای مناسب‌تری در آن جاری می‌گردد، ولی باید گفت یک جهان بی‌عیب و نقص هرگز به دست نخواهد آمد. بنابراین ذهنیتی که می‌گوید «در جستجوی شهری بهتر برای استفاده‌کننده‌اش» که با یک طرح شفاف و کارآمد اقتصادی به حرکت در آمده است می‌تواند به خیلی چیزها دست یابد (پلتون و سنیگ، ۱۳۹۲: ۱۳۰).

در واقع شهر دانش بنیان را می‌توان به عنوان هدف نهایی در نظر گرفت و بدین منظور از ابزار اجتماع دانش با اصول خود، ویژگی‌های متمایز آن و فرآیندهای آن بهره گرفت (سیگو، ۲۰۱۵: ۵۳۴). آنگونه که استنباط می‌شود؛ مفهوم شهر دانش بنیان بسیار وسیع است و ممکن است به تمام جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشیده شود. شهر دانش بنیان که با هدف توسعه مبتنی بر دانش است، با ایجاد تشویق مستمر، اشتراک‌گذاری، ارزیابی، نوسازی و به روزرسانی دانش است. این می‌تواند از طریق تعامل مستمر بین شهروندان و در همان زمان بین آن‌ها و شهروندان سایر شهرها صورت گیرد. شهروندان شهر دانش بنیان به اشتراک‌گذاری فرهنگ و همچنین طراحی مناسب در شهر، شبکه IT و زیرساخت‌های پشتیبانی این تعاملات می‌پردازند. روند توسعه یک شهر دانش بنیان نه سریع و نه ساده است در نتیجه، هر گونه تلاش به منظور توسعه یک شهر دانش بنیان باید فعال به طور مطمئن از فعالیت‌های تمام جامعه پشتیبانی کند، به عنوان مثال، دولت‌های محلی، شهروندان، بخش خصوصی، سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و غیره. برای این منظور، تجزیه و تحلیل در عمق از وضعیت فعلی، برای تعریف یک دیدگاه و استراتژی، و اجرای یک طرح عملی هستند مورد نیاز است.

در واقع بستر دانش شهرها اولین عامل مهم برای درک بهتر پویایی و انتشار یک ابتکار است. بنابراین، لازم است زیر جنبه‌های قابل توجهی با توجه به چارچوب در نظر گرفته شود: جوامع شهری به طور معمول دارای جمعیت ناهمگن و همچنین دارای انواع شبکه‌های ارتباط (مانند خانواده، همسایگان، و شبکه‌های حرفه‌ای) و دولت می باشند. ایجاد دانش و پویایی آن در شهر به طور منظم در ارتباط و تحت تأثیر زمینه است که در فضاهای اجتماعی و معماری موجود منعکس شده است. عامل دوم به رسمیت شناختن مفهوم شهر دانش بنیان و چارچوب‌های تعریف شده برای آن است. این چارچوب‌ها شامل:

۱. وجود یک محیط قانونی و اقتصادی که جریان آزاد دانش، سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و تشویق کارآفرینی را امکان پذیر می سازد.

۲. وجود جمعیت تحصیل کرده و ماهر برای ایجاد، اشتراک و استفاده از دانش؛
۳. وجود زیرساخت اطلاعاتی پویا اعم از رادیو به اینترنت، به منظور تسهیل ارتباط مؤثر، انتشار و پردازش اطلاعات؛
۴. شبکه ای از مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها، شرکت‌های خصوصی و گروه‌های اجتماعی و جذب و انطباق آن‌ها با نیازهای محلی و ایجاد دانش جدید (آدامز، ۲۰۱۵: ۱).

به طور کلی این چارچوب‌ها تمامی ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یک شهر را در بر می گیرد. شهرداری، شهری است که حمایت بسیار ویژه و ممتاز از نخبگان داخلی و نیز بین المللی به منظور جذب و بهره‌گیری و رشد آنان فراهم می‌گردد و نیز جنگی شدید و حتی جهانی جهت جذب و بهره‌گیری از آنان صورت می‌گیرد و سپس شبکه‌های قوی مجازی برای ارتباط بین آنان ایجاد می‌گردد (ملایی، ۱۳۹۱: ۴).

همان گونه که مشخص است، تمامی تعاریف حول شهر دانش بنیان در خصوص علم، راه‌های ارتباط علمی، تعاملات دانشی، و امثالهم است و مباحث اخلاق و اخلاق حرفه‌ای متناسب با کشور در آن‌ها منظور نشده است، همانگونه که در قرون مثل اواخر قاجار و دوران پهلوی سبک معماری ایران با انحطاط روبه‌رو شد (با اقتباس از پیرنیا، ۱۳۸۹) در صورت عدم توجه به مباحث زمینه‌گرایانه در احداث شهرهای دانش بنیان، ممکن است که بازیابی سبک معماری ایرانی مشکل‌تر از قبل گردد.

۴. بحث و بررسی در راهبردهای اخلاقی برای احداث شهرهای دانش بنیان در ایران

بر اساس بررسی‌ها تأثیر متقابل معماری و شهرسازی بر اخلاق و رفتار انسان مورد تأیید بسیاری از محققین بوده است. اخلاق با بهترین شرایط نوع زندگی انسانی مطابقت دارد. به عبارتی، صحبت از زندگی انسانی است (لیگارد، ۲۰۱۴: ۱۹۶). معماری با تعیین مرز و محل زندگی به انسان و زندگی او کمک می‌کند و در نتیجه نوعی عملکرد اخلاقی است (همان: ۱۹۷). از آنجا که معماری ظرف زندگی انسان است، شاید تحولات و اثرات آن در زندگی انسان عمیق‌تر و مؤثرتر از دیگر هنرها باشد (قیومی بیدهندی، ۲۰۱۵: ۱۳۸۵). چرا که معماری اساساً با زندگی انسان در آمیخته است. لذا سلامت، راحتی و آرامش در معماری می‌تواند ارتباط بین نگرانی‌های اخلاقی و معماری باشد. توجه به سبک و شیوه زندگی محصول عمل معماری در محتوای زندگی انسان‌هاست (لوین، ۲۰۰۴: ۱۰۸). سؤال بنیادی وجه عملی معماری عبارت است از «چگونگی دستیابی به طرح مطلوب» این سؤال به محصول عمل طراح اشاره دارد و مطلوب چیزی است که غایت و هدف کار طراحی را تعیین می‌کند، پرسش از مطلوبیت در معماری، پرسشی عمیقاً انسان‌شناسانه و اخلاقی است (ممتحن، ۱۳۹۲: ۶۶). استفاده‌کنندگان، کارفرما و جامعه به عنوان مخاطبین اصلی معماری، تحت تأثیر فضای ساخته شده هستند. از طرفی محیط مصنوع و معماری می‌تواند اثرات مختلف زیست محیطی داشته باشد. بنابراین ساختن و برپا کردن محیط زیست انسان‌ها، در مقیاس خرد تا کلان، مسئولیتی سخت و سنگین است (ندیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). اماکن با شکل کالبدی، فعالیت و معنا ساخته می‌شوند. این بدین معنی است که با فرایندهای روانی و اجتماعی فرد مرتبط است. بدین ترتیب بخش عمده‌ای از کیفیت زندگی انسان متأثر از معماری است و بدون تردید معماری نقش اساسی در افزایش سلامت روحی و روانی انسان دارد. وحدت معماری موجب وحدت اجتماعی و تعالی معماری موجب تعالی روح می‌شود (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۲). عدم رعایت اخلاق در معماری و تخلفات ساختمانی اثرات مخربی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی در سطوح مختلف از واحد همسایگی تا کل شهر خواهد گذاشت (سرخیلی، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

اولین کنفرانس بین المللی و دومین کنفرانس ملی "به سوی شهرسازی، معماری، عمران و هنر دانش بنیان"

تحولات، مأموریت اخلاقی و اجتماعی معماری قابل تأمل است. عدم توجه به اخلاقیات در شهرها و آثار این دسته نوظهور می تواند مشکلات عدیده ای در سطح جامعه ایجاد نماید.

همانگونه که بیان شد، اخلاق در جامعه اسلامی شامل اخلاق دستوری، فرااخلاق و اخلاق حرفه ای است (با اقتباس از مطهری، ۱۳۷۵) اخلاق دستوری شامل مجموعه قوانین از پیش تعیین شده است (دیدگاه پیشینی) اما در جوامع اسلامی این قوانین تحت عنوان شرع و مبتنی و سیره معصومین تبیین می گردند. توجه به اصول اخلاقی برآمده از فرهنگ اسلامی کشور در احداث شهرهای دانش بنیان می تواند کمک شایانی به «توسعه در تمام جوانب» داشته باشد. به صورت کلی می توان این اصول را شامل عناوین زیر اعلام کرد:

- جامعیت مفهوم توسعه معماری و شهرسازی به نحوی که کلیه ابعاد وجودی انسان را فرا می گیرد.
 - اساس توسعه ها و ساخت و سازهای جدید، مبتنی بر فرهنگ زمینه باشد.
 - استقلال فرهنگی، عامل اصلی توسعه و وابستگی فرهنگی، عامل اصلی توسعه نیافتگی است، بنابراین راهکارهایی که شامل مشابه سازی کشورهای صنعتی می باشد مردود اعلام می گردد.
 - در فرهنگ اسلامی، اساس و هدف توسعه، توسعه فرهنگی است، توجه به این عامل در احداث شهرها و بناهای دانش بنیان ضروری است.
 - تربیت و تعالی انسان، شرط لازم و غایت معماری و شهرسازی دانش بنیان باشد.
- علاوه بر موارد مذکور، راهکارهایی نیز به عنوان راهکارهای عملی برای ایجاد محتوا در شهرهای دانش بنیان براساس آموزه های اسلام به شرح زیر اعلام می گردد، در صورت پایبندی به این آموزه ها فضای شهرها (در این مقاله شهرهای دانش بنیان) به سمت و سوی اخلاق اسلامی هدایت می شود:
- احداث شهرهای دانش بنیان با توجه به امرار معاش شهروندان (من لا معاش له لا معاد له، یعنی کسی که معاش ندارد، معاد نیز نخواهد داشت).
 - توجه به مفاهیم عدالت و عدالت اجتماعی در ساختار شهرهای دانش بنیان (در مقابل دیدگاه های رایج در خصوص مادی گرایی در این شهرها)
 - توجه به مفاهیم عدالت فردی در شهرهای دانش بنیان (به معنای استحقاق شهروندانی که توانایی و خدمات بیشتری دارند)
- علاوه بر موارد ذکر شده در خصوص اخلاق حرفه ای در شهرهای دانش بنیان، در جهت جاری شدن اخلاق حرفه ای در این شهرها راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد:
- استقلال حرفه ای اخلاق عملی
 - خودفهمی حرفه ای
 - عینیت گرایی، بی طرفی و عدم جانب داری در شهرسازی دانش بنیان
 - فراتر رفتن از مسائل معیشتی در شهر دانش بنیان
 - پیش بینی ضمانت های اجرایی بر رعایت اصول اخلاقی شهر
 - مسئولیت پذیری و امانت داری توسط شهروندان
 - رقابت طلبی سالم در فضای شهر
 - صادق بودن در رفتار
 - احترام به دیگران در فضای دانش بنیان
 - رعایت عدالت و انصاف توسط شهروندان
 - همدردی و یاری در صورت شکست رقیبان

۵. نتیجه گیری

این پژوهش در راستای تبیین رابطه بین مباحث اخلاقی و معماری و شهرسازی دانش بنیان انجام شده بود، با توجه به نوظهور بودن شهرسازی دانش بنیان در جهان و ایران، تاکنون تعاریف متعددی در این باره شده است، عدم تعیین جایگاه اخلاق در این قسم از معماری و شهرسازی می تواند معضلات فراوانی را در معماری و شهرسازی آینده کشور پدید آورد، اخلاق در معماری و شهرسازی در سه دسته اخلاق دستوری، فرا اخلاق و اخلاق حرفه ای معرفی گردید در صورت توجه به آن ها می توان ادعا نمود که معماری و شهرسازی دانش بنیان در زمینه های فرهنگی کشور پذیرفته شده و در طول زمان با توجه به قرابت محتوایی برای مخاطبان امکان توسعه و پیشرفت را خواهد داشت و در صورت عدم توجه به مسائل فرهنگی (به طور خاص اخلاق در این مقاله) امکان پیش آمدن دو حالت ممکن است، اول اینکه این فضاها توسط مطرود شده و به مرور زمان باعث اتلاف هزینه های مادی و معنوی می شود و یا در صورت ادامه حیات، فرهنگ و سبک زندگی جامعه را تحت تاثیر قرار داده و معضلات فراوانی در سطح کلان ایجاد خواهد کرد، بدیهی است که در هر دو صورت منجر به ایجاد هزینه های گزافی خواهد بود که با ایدئولوژی ایجاد شهرهای دانش بنیان برای بهبود شرایط اقتصادی منافات دارد. بنابراین می توان گفت عدم توجه به بستر اخلاقی و اخلاق حرفه ای حاصل از آن منجر به زیاندهی مادی و معنوی شهرهای دانش بنیان شده و این امر اصل احداث این شهرها را با چالش جدی مواجه می نماید.

مراجع

- احمدی، خدابخش و همکاران، (۱۳۸۹)، «بررسی میزان شناخت مشاوران و روانشناسان از اصول اخلاق حرفه ای»، نشریه تازه ها و پژوهش های مشاوره، شماره ۴۹، ۴۸-۶۰
- آریانیپور کاشانی، منوچهر، عاصی، مصطفی، (۱۳۸۵)، فرهنگ جامع پیشرو آریان پور، تهران: جهان رایانه.
- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، جلد اول، تهران: انتشارات سخن.
- بحرینی، نسرین، (۱۳۸۹)، مقاله «مبانی اخلاقی آزمون سازی در نظام آموزشی ایران»، کتاب اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پلتون، جوزف آن، سینگ، ایندو بی (۱۳۹۲)، شهرهای آینده طراحی شهرهای بهتر، هوشمندتر، پایدارتر و امن تر، ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۹)، سبک شناسی معماری ایرانی، تهران: سروش دانش.
- حاتمی، داود، عربی، زهرا، رحمانی، اسماعیل. (۱۳۹۵). «مکان یابی بهینه فضای سبز شهری با استفاده از مدل Logic Fuzzy و AHP، در محیط GIS نمونه موردی: شهر مشهد»، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۳۲، ۶۳-۸۴.
- حسینیان، سیمین، (۱۳۸۵)، اخلاق در مشاوره و روانشناسی، تهران: کمال تربیت.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۲۸)، لغت نامه دهخدا، جلد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رشیدی، بهروز، (۱۳۸۵)، «عصر اطلاعات و مدیریت اسلامی، چالش ها و راهکارها»، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲۹، ۸۷-۱۲۴.
- سرخیلی، الناز؛ رفیعیان، مجتبی؛ و بمانیان، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «بررسی انگیزه های تخلف احداث بنای مازاد بر تراکم ساختمانی در شهر تهران»، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۰، ۱۹۲-۱۹۵.
- عاملی، منیژه، (۱۳۸۱)، بررسی مبانی نظری اخلاق حرفه ای در اسلام، پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۸۰)، اخلاق حرفه ای، تهران: نشر مجنون.
- قیومی بیدهدی، مهرداد، (۱۳۸۵)، «نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه»، نشریه صفا، شماره ۲، ۸۵-۹۶.
- گنسلر، هری جی، (۱۳۸۵) درآمدی جدید به فلسفه اخلاق. ترجمه: حمیده بحرینی. تهران: انتشارات آسمان خیال.
- لنگ، جان، (۱۳۸۸)، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مرتضوی، فرنوش، (۱۳۹۰)، بررسی ویژگی‌های شهر دانش‌بنیان تهران مبتنی بر جذب و نگهداری کارکنان دانشی، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

مطهری، مرتضی، (۱۳۵۹)، عدل الهی، قم: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، فلسفه اخلاق، قم: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، آشنایی با علوم اسلامی، قم: انتشارات صدرا.

ملایی، مصطفی؛ حبیبیان، سجاد، (۱۳۹۱)، «ارائه مدلی تعاملی در جامعه دانایی محور در خصوص شکل‌گیری کسب و کارهای دانش‌بنیان در افق ۱۴۰۴»، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، دانشگاه مازندران.

ممتحن، مهدی؛ حجت، عیسی؛ و ناری قمی، مسعود، (۱۳۹۲)، «تأملی در مفهوم و ارزش خلاقیت ارزش خلاقانه معماری مبتنی بر الگو (مقایسه چارچوب ارزشی سنتی، معاصر و اسلامی)»، دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۱۱، ۶۳-۸۴.

ندیمی، هادی، (۱۳۸۹)، کلک دوست؛ ده مقاله در هنر و معماری، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

نظریان، اصغر (۱۳۸۹)، جغرافیای شهری ایران، تهران: پیام نور.

Adams, Winston, Cross, Alison, (2015), "Towards a Proposed Caribbean Knowledge City - An Investment Destination for Quality Higher Education", **Original Research Article, Procedia Economics and Finance**, Volume 39, pp. 208-216.

Berg, L. van den, Pol, P.M.J., Winden, W. van & Woets, P. (2005). **European cities in the knowledge economy. Aldershot, England, Ashgate Publishing limited**. pp:80-120

Cadozier, V, (2002), **The moral profession: A study of moral development and professional ethics**, Retrieved from proquest.com.

Cigu, Elena, (2015), "The Making of Knowledge Cities in Romania", **Original Research Article, Procedia Economics and Finance**, Volume 32, pp. 534-541

Dvir, R. & Pasher, E. (2004). "Innovation engines for knowledge cities: an innovation ecology perspective". **Journal of knowledge management** Vol. 8, No. 5, pp. 16-27.

Edvinsson, L. (2006). "Aspects on the city as a knowledge tool". **Journal of knowledge management**, Vol. 10, No. 5, pp. 6-13.

Ergazakis, K., Metaxiotis, K., Psarras, J. & Askounis, D. (2006). "A unified methodological approach for the development of knowledge cities". **Journal of Knowledge management**, Vol. 10, No. 5, pp. 65-78.

Hartog, mary and Winstanley, Diana, Ethics and Human Resource, (2007), "Management: Professional Development and Practice", **Journal of Business & Professional Ethics**, V21.

Helbrecht, I. (2004). **Bare geographies in knowledge societies, creative cities as text and piece of art: two eyes, one vision. Built environment**. Vol. 30, No. 3, pp. 194-203

Levine. Michael P. Meller, Kristine & William Taylor. (2004), "Introduction: Ethics And Architecture", **The Philosophical Forum**, Volume XXXV, No. 2: 103-113

Ligard, Norman, (2014), "Ethics and architecture: the case of Albert Speer", **journal of Architecture and Urbanism**, Volume 38(3): 192-197

Moberg, Dennis J., and Mark A. Seabright, "The development of moral imagination", **Business Ethics Quarterly**. Retrieved from emeraldinsight.com.